

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# یمانی کیست؟!

علی محمدی هوشیار  
موسسه فرق و ادیان بصائر

## پیشگفتار:

# یمانی کیست؟!

با مروری چند به منابع شیعه و سنتی، با شخصیتی با عنوان «یمانی» آشنا می‌شویم. برخی از روایات، او را جزو علائم حتمی و روایات دیگر آن را در ردیف نشانه‌های عمومی دانسته‌اند. اما آنچه با دقت نظر به دست می‌آید، ابهام بیش از انتظار درباره یمانی است که همین ابهام، علامت بودن او را زیر سؤال برده و توان معرف بودن را از او سلب کرده است، زیرا به خوبی می‌دانیم که معرف باید شناخته شده‌تر و آشکارتر از معرف باشد تا بتواند هدایت کننده و راهگشا شود. و خداوند متعال نیز هرگاه درباره نشانه‌های خود سخن به میان آورده، آنها را با شاخصه «روشن و آشکار» معرفی کرده است. به عنوان نمونه می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ؛ وَدَرِحْقِيقَتِ مَا بَهْ مُوسَى نَهْ نَشَانَهُ آشْكَارَ دَادِيم».<sup>۱</sup> همچنین علامات خود را هدایتگر دانسته و فرموده است: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمٍ هُمْ يَهْتَدُونَ؛ وَنَشَانَهُهَا دِيَگْرِي (در زمین قرار داد) وَأَنَّا بِهِ وَسِيلَهِ سَتَارَهِ رَاهَ مِيْ يَابِند».<sup>۲</sup>

و نیز روایات متعددی به این مساله تصریح کرده و امر ظهور را، امری

<sup>۱</sup> اسراء، ۱۰۱.

<sup>۲</sup> نحل، ۱۶.

روشن و بدور از هرگونه ابهامی معرفی کرده‌اند. به عنوان نمونه به دو روایت اشاره می‌شود:

امام باقر(ع) فرمود: «اَسْكُنُوا مَا سَكَنَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ اُيْ لَا تَخْرُجُوا عَلَى أَحَدٍ فَإِنَّ أَمْرَكُمْ لَيْسَ بِهِ خَفَاءً اَلَا إِنَّهَا آيَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيَسَتْ مِنَ النَّاسِ اَلَا إِنَّهَا أَصْنُوًا مِنَ الشَّمْسِ لَا تَخْفَى عَلَى بَدْرٍ وَ لَا فَاجِرٌ أَتَعْرِفُونَ الصُّبْحَ فَإِنَّهَا كَالصُّبْحِ لَيْسَ بِهِ خَفَاءً؛ امام باقر (ع) فرمود: تا زمانی که آسمان و زمین ساکن و بدون تحرک هستند، شما نیز تحرکی نداشته باشید. یعنی بر کسی اجتماع نکنید. امر شما مخفی نخواهد بود، همانا آن نشانه ای از خداوند است، نه اینکه نشانه ای از مردم باشد. آگاه باشید که آن روشن تر خورشید است که بر خوب و بد مخفی نخواهد بود. آیا صبح را می‌شناسید؟ پس همانا آن همانند صبح است که مخفی نیست». <sup>۱</sup>

همچنین در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «وَ لَتُرْفَعَنَ اثْنَتَانِ عَشْرَةَ رَأْيَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرِى اُيْ مِنْ اُيْ قَالَ فَبَكَيْتُ ثُمَّ قُلْتُ فَكَيْفَ نَصْنَعُ قَالَ فَنَظَرَ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلَةٍ فِي الصُّفَّةِ فَقَالَ يَا ابْنَ اَبِي عَبْدِ اللَّهِ تَرَى هَذِهِ الشَّمْسُ قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ وَ اللَّهِ لَأَمْرُنَا أَبْيَنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ؛ مفضل بن عمر گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: همانا دوازده پرچم مشتبه برافراشته گردد که هیچ یک از دیگری تشخیص داده نشود (حق از باطل شناخته نشود). مفضل گوید: من گریستم و عرض کردم: پس ما چه کنیم؟ حضرت به شعاعی از

---

<sup>۱</sup> الغيبة للنعمانی، ص ۲۰۰.

## یعنی کیست؟!

خورشید که در ایوان تابیده بود اشاره کرد و فرمود: این آفتاب را میبینی؟  
عرض کردم: آری، فرمود: بخدا قسم که امر ما از این آفتاب روشن تر  
<sup>۱</sup>. است».

---

<sup>۱</sup> الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

## یمانی در لغت

یمن نام کشوری در جنوب عربستان است و اهالی این کشور را با عنوان

«یمنی- یمانی- یمان» خطاب می‌کنند. مانند بحرانی و بحرانی.

برخی بر این باورند که یمانی به کسی گفته می‌شود که دارای خیر و

برکت باشد یا به آن دسته از افرادی که دست را ستد و کارگزاراً صلی

ظهور باشد یمانی می‌گویند در حالیکه این سخن در نهایت ضعف است

و برای اراده معنای مذکور، باید از واژه «أيمن» استفاده شود، نه یمانی!.

چنانچه قرآن کریم درباره منطقه پر خیر و برکت از واژه أيمن استفاده

کرده و می‌فرماید: **وَ نَادِيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الْطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَبَنَاهُ تَحِيَّاً.**<sup>۱</sup>

در روایتی برای اراده معنای کارگزاری و نشان دادن اهمیت و جایگاه

حضرت عیسی (ع) در محضر امام زمان (ع) از این واژه بهره برده است:

**وَ يَنْزَلُ عَيْسَى بْنُ مَرِيمٍ (ع) ... وَ هُوَ وزِيرُ الْأَيْمَنِ لِلْقَائِمِ، وَ حَاجَبَهُ وَ**

**نَائِبَهُ...؛ وَ عَيْسَى بْنُ مَرِيمٍ (ع) نَازِلٌ مِّنْ شَوْدٍ... وَ اوْ وزِيرُ دَسْتِ رَاسِتِ وَ**

**خَدْمَتْكَارِ وَ نَائِبِ قَائِمٍ (ع) اَسْتَ.**<sup>۲</sup>

در روایات نیز از واژه یمانی برای مذسویین به کشور یمن استفاده شده

<sup>۱</sup> مریم، ۵۲.

<sup>۲</sup> حلية الأبرار في أحوال محمد وآلـهـ الأطهـارـ (ع)، جـ ۶، صـ ۴۲۹.

## يَا نَفْسِي مَا كُلُّتْ؟!

است: «... ثُمَّ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ فَقَالَ لَهُ يَا يَمَانِي أَتَعْرِفُ شِعْبَ  
كَذَا وَكَذَا قَالَ نَعَمْ...».<sup>۱</sup>

همچنین در روایتی دیگر آمده است: «... حِينَ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ عُلَمَاءِ  
أَهْلِ الْيَمَنِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا يَمَانِي أَفِيكُمْ عُلَمَاءُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَآئِيْ شَيْءٌ  
يَبْلُغُ مِنْ عِلْمٍ عُلَمَائِكُمْ...».<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> بصائر الدرجات في فضائل آل محمد (ص)، ج، ۱، ص ۱۴۱.

<sup>۲</sup> همان، ص ۴۰۱.

## کاوشی در روایات یمانی

نکته اول: پس از تتبع کامل در روایات پیامبر اکرم(ص) از منابع شیعه و سُنی، هیچ سخنی از ایشان درباره یمانی مشاهده نمی‌شود، درحالیکه درباره سفیانی و صیحه و سایر علائم مرتبط با ظهور، روایات قابل توجهی به یادگار مانده است.

از امیرالمؤمنین(ع) نیز، روایتی درباره یمانی یافت نشد، مگر روایتی مرسله در کتاب سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان (۸۰۰ هـ-ق) که روایت مذکور را برای اولین بار ذکر کرده و پیش از این کتاب، هیچ‌کدام از منابع حدیثی شیعه به این روایت اشاره نکرده‌اند.<sup>۱</sup>

همچنین از امام حسن و امام حسین و امام سجاد(علیهم السلام) نیز هیچ روایتی درباره یمانی مشاهده نمی‌شود، درحالیکه درباره سایر علائم و حوادث مرتبط با ظهور، روایاتی صادر فرموده‌اند.

بیشترین روایت صادر شده درباره یمانی؛ از امام صادق(ع) و سپس از امام باقر(ع) است و پس از ایشان، روایات مربوط به یمانی رو به کاهش رفته است، به طوری که از امام کاظم(ع) هیچ روایتی درباره یمانی وجود

---

<sup>۱</sup> «إِذْ أَقْبَلَتْ خَيْلُ الْيَمَانِيِّ وَالْخُرَاسَانِيِّ سَسْتَقَانٍ كَانَهُمَا فَرَسِيٌّ رِهَانٌ». سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان عج، ص ۵۳.

# یمانی کیست؟!

ندارد و از امام رضا(ع)، تنها یک روایت<sup>۱</sup> و از امامان پس از ایشان، هیچ روایتی درباره یمانی صادر نشده است. حتی در هیچکدام از توقیعات صادر شده از امام زمان(ع) نیز به مساله یمانی اشاره نشده است. علاوه بر همه این موارد، هیچ آیه‌ای از قرآن کریم، به مساله یمانی اشاره‌ای ندارد، درحالیکه آیات متعددی به سایر علائم، همچون؛ سفیانی و صیحه و خسف بیداء و ... اشاره دارد.

به عنوان نمونه می‌توان به آیات قرآن کریم درباره صحیحه اشاره کرد. در روایتی آمده است:

«سَأَلَّتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنْ نَشَا نُنَزِّلُ الْآيَةَ قَالَ نَزَّلْتُ فِي قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ يُنَادَى بِاْسْمِهِ مِنَ السَّمَاءِ؛ حَنَانَ بْنَ سَدِيرٍ گوید: از امام باقر(ع) در مورد آیه: إِنْ ذَكَرْتُمْ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً سُؤال کردم، فرمود: «این آیه درباره قائم آل محمد (نازل شده است، که خداوند او را به نامش از آسمان صدا می‌زند».<sup>۲</sup>

یا در روایتی دیگر آمده است: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ يَسْمَعُهُ

<sup>۱</sup> «قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ حَسْفُ السُّفِينَيِّ وَ الْيَمَانِيِّ وَ الدَّوَانِيِّ وَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ وَ كَفُّ يَقُولُ هَذَا هَذَا». إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۳۶۴. و در نسخه الغيبة نعمانی آمده است: «قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفِينَيِّ وَ الْيَمَانِيِّ وَ الْمَرْوَانِيِّ وَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَكَيْفَ يَقُولُ هَذَا هَذَا». الغيبة للنعمانی، ص ۲۵۳.

<sup>۲</sup> بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۴.

جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ لَا إِنْ حُجَّةُ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاصِّيَّةٍ؛ نداء دهنده‌ای از آسمان به نام وی فریاد می‌کند که همه اهل زمین دعوت به سوی او را می‌شنوند، گویند: آکاه با شید! به حقیقت حجّت خدا نزد خانه خدا آشکار شد، از او پیروی کنید که حق با او و در او سست و این است تفسیر قول خدای عزوجل: إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاصِّيَّةٍ».<sup>۱</sup>

همه این موارد، در کنار روایات معصومین(ع) معنا پیدا می‌کند که فرمودند: «إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ لَهُ شَاهِدًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ(ص) وَإِلَّا فَالَّذِي جَاءَكُمْ بِهِ أَوْلَى بِهِ؛ زمانی که به شما روایتی رسید و برای آن شاهدی از کتاب خدا یا شاهدی از قول رسول خدا(ص) یافتد آنرا بپذیرید در غیر این صورت، آن کسی که آن روایت را به شما آورده است، به آن روایت سزاوارتر است(یعنی روایت به درد خودش می‌خورد)».<sup>۲</sup>

و در روایتی دیگر؛ قید دیگری را بر این دو مورد افزوده و می‌فرماید: «أَوْ تَجِدُونَ مَعَهُ شَاهِدًا مِنْ أَحَادِيثَنَا الْمُتَقَدِّمَةِ؛ یا اینکه برای آن روایت، شاهدی از احادیث امامان پیش از ما بیابید».<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱.

<sup>۲</sup> الكافي، ج ۱، ص ۶۹.

<sup>۳</sup> رجال الكشي - اختیار معرفة الرجال، ص ۲۲۴.

## یمانی کیست؟!

بر اساس بررسی‌های لازم، هیچ‌کدام از سه شرط مذکور در دو روایت فوق، در روایات مرتبط با یمانی مشاهده نگردید. بدین معنا که شاهدی از قرآن و سخنان رسول خدا(ص) برای یمانی وجود ندارد و از طرفی، امامان پیش از امام باقر و امام صادق(ع) نیز هیچ روایتی درباره یمانی نداشته و بلکه ائمه پس از ایشان نیز(غیر از امام رضا) صدور روایت نداشته‌اند.

**نکته دوم:** از هشت روایت مربوط به علائم پنجگانه ظهور؛ تنها در سه روایت نام یمانی ذکر شده و در پنج روایت دیگر نامی از یمانی به میان نیامده است که از این تعداد، تنها دو روایت به حتمی بودن یمانی تصریح داشته و روایت دیگر، مساله را مسکوت گذاشته است.

**نکته سوم:** مجموع روایات موجود در منابع شیعه، با واژه «یمانی»، هجده مورد است که از این تعداد، دو روایت به هدایتگر بودن یمانی تصریح داشته و بقیه روایات، هیچ توضیحی درباره شخصیت یا جایگاه یا نام و رسم یمانی به میان نیاورده‌اند. در توضیح این دو روایت گفته می‌شود:

**الف:** در بخشی از روایتی نسبتاً طولانی، به هدایتگر بودن یمانی تصریح کرده و تبعیت از او را لازم شمرده است. این روایت برای اولین بار در کتاب الغیبه نعمانی و سپس در قرن هشتم هجری در کتاب سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان(عج) و پس از او در قرن یازدهم هجری در کتاب بحار الانوار آمده است. اینکه این روایت مورد توجه جناب کلینی

در کتاب کافی و شیخ صدوق در کمال الدین و الغیبیه شیخ طوسی و سایر محدثین شیعه قرار نگرفته، محل تعجب و بحث است و از این رو می‌توان آن را روایت معروض عنه دانست که مورد اعتماد محدثین و علماء قرار نگرفته است.

از طرفی، راوی این روایت؛ ابن عقدہ است که در سلک فرقه زیدیه جارویه بود، که معاصر یحیی بن حسین بن قاسم معروف به «الهادی الى الحق» است و به عنوان یکی از ائمه جارویه، در صدهمین شناخته می‌شود که با ترویج مذهب هادویه حکومت زیدی را تشکیل داد.<sup>۱</sup>

در بخشی از روایت مذکور، یمانی را با عنوان کسی که پرچم او هدایتگر بوده و به حق دعوت می‌کند معرفی می‌کند. تشابه لقب یحیی بن حسین با فرازی از روایت یمانی، به خاطر معاصر و هم کیش بودن راوی با مدعی، می‌تواند محل تامل واقع شود و انگیزه جعل را تقویت می‌کند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> الافادة في تاريخ ائمة الزيدية، ص ۱۳۶.

<sup>۲</sup> أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ أَبْنُ عُنْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبِ أَبْو الْحَسَنِ الْجُعْفَنِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلَيْهِ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَيِّ(ع) أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمْ تَارِاً مِنْ قِبَلِ الْمَسْرُقِ شَبَّهَ الْهَرَدِيَّ الْعَظِيمَ تَطَلَّعُ تَلَاهَةً أَيَّامًا أَوْ سَبْعَةً فَتَوَعَّدُوا فَرَحَّ أَلِّي مُحَمَّدِ(ع) إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ بِرَحْكِيمٌ ثُمَّ قَالَ الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَاَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ وَ الصَّيْحَةُ هِيَ صَيْحَةُ جَبَرِيلٍ(ع) إِلَى هَذَا الْخَلْقِ ثُمَّ قَالَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ (ع) فَيَسْمَعُ مِنْ بِالْمَسْرُقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ لَا يَبْتَقَى رَاقِدًا إِلَّا اسْتَيْضَ وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَدَّ وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَهِ فَرَعَاعًا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ فَرَحَّمَ اللَّهُ مَنْ اغْتَبَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْأَوَّلُ هُوَ صَوْتُ جَبَرِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ عَثُمَ قَالَ(ع) يَكُونُ الصَّوْتُ فِي

# ياني كست؟!

شَهْرٌ رَّمَضَانَ فِي لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ لَّيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ وَاسْمَعُوا وَأطْبِعُوا وَفِي آخر النَّهَار صَوْتُ الْمُلْعُونِ إِنْلِيسِ يَنَادِي أَلَا إِنْ فُلَانًا قُتِلَ مَظْلومًا لِيُشَكِّكَ النَّاسَ وَيُقْتَلُهُمْ فَكُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ شَاكٍ مُّتَحَبِّرٍ قَدْ هَوَيْ فِي النَّارِ فَإِذَا سَمِعْتُمُ الصَّوْتَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشْكُوا فِيهِ أَنَّهُ صَوْتُ جَبَرِيلٍ وَعَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ يَنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْعَدْرَاءُ فِي خَدْرِهَا تَتَحَرَّضُ أَبَاهَا وَأَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ وَقَالَ لَا بُدَّ مِنْ مَذَنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ (ع) صَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ وَهُوَ صَوْتُ جَبَرِيلٍ بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَالصَّوْتُ الثَّانِي مِنَ الْأَرْضِ وَهُوَ صَوْتُ إِلِيسِ الْلَّعِينِ يَنَادِي بِاسْمِ فَلَانٍ أَنَّهُ قُتِلَ مَظْلومًا بِرُبُودٍ بِذَلِكَ الْفِتْنَةِ فَاتَّبَعُوا الصَّوْتَ الْأَوَّلَ وَإِيَّاكمْ وَالْآخِيرَ أَنْ نَقْتَلُوكُمْ وَقَالَ (ع) لَا يَقُولُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى حَوْفِ سَدِيدِ [شَدِيدِ] مِنَ النَّاسِ وَزَلَازِلَ وَفَتَنَةً وَبَلَاءً يُصْبِبُ النَّاسَ وَطَاغُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَسَيِّفٌ قَاطِعٌ بَيْنَ الْعَرَبِ وَالْخَلَافِ شَدِيدٌ فِي النَّاسِ وَتَشَتَّتٌ فِي دِينِهِمْ وَتَغَيَّرَ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى يَسْتَمِّي الْمُسْتَمِّي الْمَوْتُ صَبَاحًا وَمَسَاءً مِنْ عَظَمِ مَا يَرَى مِنْ كَلَبِ النَّاسِ وَأَكْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا فَخُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْيَاسِ وَالْقُنُوتِ مِنْ أَنْ يَرْوِي فَرْجًا قِيَانًا طَوبِي لِعَنْ أَدْوَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ نَأْوَاهُ وَخَالَفَهُ وَخَالَفَ أَمْرَهُ وَكَانَ مِنْ أَعْدَانِهِ وَقَالَ (ع) إِذَا خَرَجَ يَقُولُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَسُنْنَةٍ جَدِيدَةٍ وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ وَلَيْسَ شَائِئَهُ إِلَّا الْمُقْتَلُ لَا يَسْتَقِي أَحَدًا وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّا يَنِمُّ ثُمَّ قَالَ عِنْ إِذَا احْتَلَفَ بَنُو فَلَانِ فِيمَا يَبْهُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَاتَّبَعُوا الْفَرَّاجَ وَلَيْسَ فَرَجُكُمْ إِلَّا فِي الْخُلَافَابِ يَنِي فَلَانٍ فَإِذَا احْتَلَفُوا فَتَوَقَّعُوا الصَّيْحَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَخُرُوحِ الْقَائِمِ (ع) إِنَّ اللَّهَ يَقْعُلُ مَا يَشَاءُ وَلَنْ يَحْرُجَ الْقَائِمَ وَلَا تَرَوْنَ مَا تُجْبِي حَتَّى يَعْتَلِفَ بَنُو فَلَانِ فِيمَا يَبْهُمْ فَإِذَا كَانَ كَلِيلًا طَمَعَ النَّاسُ فِيهِمْ وَاحْتَلَفُتِ الْأَكْلَمَةُ وَخَرَجَ السُّفِينِيُّ وَقَالَ لَا بُدَّ لَيَنِي فَلَانٍ مِنْ أَنْ يَمْلِكُوا ثُمَّ مَلَكُوا ثُمَّ احْتَلَفُوا تَفَرَّقَ مُكْثُهُمْ وَتَشَتَّتَ أَمْرُهُمْ حَتَّى يَعْرُجَ عَلَيْهِمُ الْحُرَاسَانِيُّ وَالسُّفِينِيُّ هَذَا مِنَ الْمُشْرِقِ وَهَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ يَسْتَقِي إِنَّ إِلَى الْكُوْكَفِيَّةِ كَفَرَسَيْ رَهَانٌ هَذَا مِنْ هُنَا وَهَذَا مِنْ هُنَا حَتَّى يَكُونَ هَلَكُ بَنِي فَلَانٍ عَلَى أَيْدِيهِمَا أَمَا إِنَّهُمْ لَا يَقْعُونَ نِيمَهُمْ أَحَدًا ثُمَّ قَالَ (ع) خُرُوحُ السُّفِينِيُّ وَالْيَمَانِيُّ وَالْحُرَاسَانِيُّ فِي سَيْنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ نَظَامُ الْحَرَزِ يَتَبَعُ بَعْضُهُ بَعْضًا فَيَكُونُ النَّاسُ مِنْ كُلِّ وَجْهٍ وَيَلِ لِمَنْ نَأْوَاهُمْ وَلَيْسَ فِي الزَّرَابَاتِ وَإِنَّهُ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَايَةُ هَدَى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَمَ بَيْعَ السَّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَكُلِّ مُسْلِمٍ وَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَأَهْبَضَ إِلَيْهِ إِنَّ رَايَةَ هَدَى وَلَا يَجِدُ لِمَسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِي عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقِ

**مُسْتَقِيمٌ ثُمَّ قَالَ لِي إِنَّ ذَهَابَ مُلْكِيَّيِ فُلَانٍ كَفَصَعُ الْفَخَارَ وَكَرَجُلٌ كَائِنٌ فِي يَدِهِ فَخَارَةً وَهُوَ يَمْشِي إِذْ سَقَطَتْ مِنْ يَدِهِ وَهُوَ سَاوِيْعَهَا فَأَنْكَسَرَتْ فَقَالَ حِينَ سَقَطَتْ هَاهُ شَبَّيْهُ الْفَرَغَعَ فَدَاهَابُ مُلْكِهِمْ هَكَيْدَا أَغْفَلَ مَا كَانُوا عَنْ ذَهَابِهِ وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِيْنَ (ع) عَلَيْهِ مِنْ بَرَكَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَكْرُهُ قَدَرَ فِيمَا قَدَرَ وَقَضَى وَحَتَّمَ إِنَّهُ كَانَ لَا بُدَّ مِنْهُ أَنَّهُ يَأْخُذُ بَنِي أُمَّيَّةَ بِالسَّيْفِ جَهَرَةً وَأَنَّهُ يَأْخُذُ بَنِي فُلَانٍ بَعْثَةً وَقَالَ (ع) لَا بُدَّ مِنْ رَحْيِ تَطْهِيْرٍ فَإِذَا قَامَتْ عَلَيْهِ قُطْبَهَا وَبَيَّنَتْ عَلَيْهَا سَاقِهَا بَعْثَتِ اللَّهِ عَلَيْهَا عَنْدَأَ عَنِيفًا خَامِلًا أَصْحَابُ رَبَّاتِ سُودٍ وَبَلْ لِمَنْ تَأْوِاهُمْ يَقْتُلُونَهُمْ هَرْجًا وَاللهُ لَكَانَ يَأْنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَعْوَالِهِمْ وَمَا يَلْقَى الْفَجَارُ مِنْهُمْ وَالْأَعْرَابُ الْجَفَّاءُ يُسَلِّطُهُمُ اللهُ عَلَيْهِمْ بِلَا رَحْمَةً يَقْتُلُونَهُمْ هَرْجًا عَلَى مَدِيَّتِهِمْ بِشَاطِئِ الْفَرَاتِ الْبَرَّةَ وَالْبَحْرِيَّةَ جَرَاءً بِمَا عَمِلُوا وَمَا رُبَّكَ بِظَلَامٍ لِلْتَّبْيِيدِ؛ خَبَرَ دَادَ مَا رَاهِمَدَ بْنَ مُحَمَّدَ بْنَ سَعِيدَ بْنَ عَدَدَ اوْ گفت: حديث کرد مرا احمد بن یوسف بن یعقوب ابو الحسن جعفی از کتاب خودش او گفت: حديث کرد ما را اسماعیل بن مهران او گفت: حديث کرد ما را حسن بن علی بن ابی حمزه از پدرش و وهب بن حفص و آن دواز ابی بصیر و او از:**

ابی جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیهم السلام که آن حضرت فرمود: آنگاه که آتشی از [جانب] خاور دیدید که همچون (هردی): رنگ زرد و سرخ - سهمناک است که سه روز یا هفت روز سر میکشد بانتظار فرج آل محمد باشید (در بعضی از نسخه ها است: (منتظر فرج پیهور قائم علیه السلام باشید) ان شاء الله عز و جل که خداوند عزیز است و حکیم.

سپس فرمود: صبحه بجز در ماه رمضان نخواهد شد [زیرا ماه رمضان] ماه خدا است [و صبحه در آن ماه است] و آن صبحه جبرئیل است که برین مردم میزند.

سپس فرمود: آواز دهنده ای آسمان بنام حضرت قائم آواز میدهد و هر که در خاور و باختر است میشنود، خفته ای نماند مگر آنکه بیدار شود، و ایستاده ای نماند مگر آنکه بزانو در می آید، و نشسته ای نماند مگر آنکه از وحشت آن صدا بر دو پای خود بایستد، پس خدا رحمت کند کسی را که از آن صدا عترت بگیرد و پا سخ گوی آن شود که صدای نخستین صدای جبرئیل و روح الأمین است.

سپس فرمود آن صدا در ماه رمضان در شب جمعه شب بیست و سوم خواهد بود و تردیدی در این ندا شته با شید و بگوش بسپارید و فرمان برد و در پایان روز صدای شیطان ملعون بلند می شود که فریاد میزند: هان که فلانی مظلوم کشته شد تا مردم را بتردید اندازد و گرفتار شان کند آن روز چه افرادی که در شک و حیرت خواهند افتاد و با آتش سرازیر خواهند شد، پس

# یا<sup>نی</sup> کیت؟!

آنگاه که صدا را در ماه رمضان شنیدید تردیدی نداشته باشید که آن صدای جبرئیل است و نشانه اش آنکه بنام قائم و نام پدرش آوازی دهد که دوشیزگان پس پرده می شونند و پدر و برادرشان را تحریک و تشویق میکنند که خروج کنند.

و فرمود: این دو صدا پیش از خروج حضرت قائم بن‌اچار باید باشد یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است [بنام صاحب الامر و نام پدرش] و صدای دوم از زمین است (در بعضی از نسخه ها: و صدای از زمین است) و آن صدای شیطان ملعون است که نام فلانی را میبرد و اینکه او مظلوم کشته شد و میخواهد تا فته ای بر پا کند پس شما باید از صدای نخستین پیروی بکنید و مبادا که از صدای آخرین بشک و رویب افتد.

و فرمود: حضرت قائم نمیکند مگر هنگامی که مردم را ترسی سخت فرا گرفته باشد و زمین لرزه ها و گرفتاری و بلاه دامنگیر مردم شود و پیش از اینها بیماری طاعون فرا رسد و شمشیری بران در میان عرب باشد و اختلاف سختی بین مردم افتاد آنچنان که دینشان پاشیده گردد و حالشان دگرگون شود تا آنجا که هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند از بس مردم آزار بینند و بجان یک دیگر می‌افتد.

خروج آن حضرت هنگامی است که مردم از اینکه فرجی به بینند مأیوس و نامید گرددند ای خوشباحال آنکه آن روزگار را درک کند و از یاران آن حضرت باشد و وای و تمام وای بر کسی که با او سرتیزد و با او و با دستورش مخالفت ورزد و از دشمنانش شود.

و فرمود: چون آن حضرت خروج کند قیام کند با مر نو و کتاب نو و روش نو و حکومت نو که بر عرب سخت آید و کاری بجز کشتن نباشدش کسی را مهلت ماندن نمیدهد و در اجرای امر خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نهارد.

سپس فرمود: هنگامی که فلان طائفه در میان خودشان باختلاف افتادند در چنین وقت بانتظار فرج با شید و فرج شما نیست مگر در اختلاف فلان طائفه همین که اختلاف نمودند بانتظار صیحه ای که در ماه رمضان می شود باشید و منتظر خروج قائم علیه السلام باشید که خداوند هر آنجه را که بخواهد انجام میدهد (۲) و قائم هرگز خارج نخواهد شد و آنجه را که دوست میدارید نخواهید دید تا آنگاه که فلان طائفه در میان خودشان اختلاف اندازند و چون چنین شود مردم در باره آنان بطعم افتند و اختلاف کلمه روی دهد و سفیانی خروج کند.

و فرمود: فلان طائفه بن‌اچار باید بحکومت برسند و همین که بحکومت رسیدند و سپس اختلاف نمودند حکومتشان از یکپارچه گی بیفتند و کارشان پراکنده شود تا آنکه خراسانی و سفیانی بر

---

آنان خروج کنند این یک از خاور و آن یک از باختر همچون دو اسب میدان مسابقه بسوی کوفه پیشنازی کنند این از این سو و آن از آن سو تا آنکه نابودی فلان طائفة بدست آن دو انجام پذیرد آنچنان که یکنفر از آنان را باقی نگذارند.

سپس آن حضرت فرمود: خروج سفیانی و یمانی و خرا سانی در یک سال و یکماه و یک روز خواهد بود با نظامی که گوئی بر شته کشیده شده است بدنبال هم شود و از هر سو هیبت فraigیر شود وای بر کسی که با آنان ستیزد و در میان پرچمها راهنمونتر از پرچم یمانی نباشد تنها او پرچم هدایت خواهد بود زیرا صاحب شما دعوت خواهد کرد، پس هنگامی که یمانی خروج کرد خرید و فروش اسلحه بر مردم و بر هر مسلمانی حرام خواهد بود و چون یمانی خروج کرد باید بسوی او نهضت کنی که پرچمش پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی روا نباشد که از آن پرچم روی بگرداند و هر کس که چنین کند او از اهل آتش است زیرا او بحق و براه راست دعوت خواهد کرد.

سپس مرا فرمود: از دست رفتن حکومت فلان طائفة همچون شکستن کاسه سفالین باشد و همچون کسی که کاسه سفالین بدستش باشد و در حال قدم زدن از آن غفلت نماید ناگهان کاسه از دستش افتاده و بشکند و چون از دستش افتاد بخود آید و آه حسرت بکشد، حکومت آنان نیز این چنین خواهد بود که بکلی در خواب غفلت فرو رفته باشند. و امیر المؤمنین علیه السلام بر فراز منبر کوفه فرمود: که خدای عز و جل ذکره در مقدار اتش مقدار فرمود و حکم حتمی صادر کرد که چاره‌ای بجز از قویش نیست که بنی امية را آشکارا با شمشیر بگیرد و فلان طائفة را ناگهان.

و آن حضرت فرمود: آسیائی باید بگردش در آید و همین که کاملاً بگردش افتاد و پارچا شد خداوند بنده‌ای سنگ دل و بی اصل و نسب را بر انگیزد که پیروزی بهمراه او باشد یارانش با موهای دراز و سبیلهای کلفت و جامه‌های سیاه در بر، و پرچم‌های سیاه بدست داشته باشند، وای بر کسی که با آنان ستیزد که بی ملاحظه آنان را بکشند. بعدها قسم گوئی آنان را می‌بینیم و کارها شان و آنچه بدکاران و عربهای ستمگر از دست آنان می‌بینند در پیش چشم من است در کنار فرات است شهرهای ساحلی و بیابانی، ایشان را بی محابا می‌کشند بجزای آنچه که کرده‌اند و پروردگار تو به بندگانش ستم رواندارد». الغيبة للنعمانی، ص ۲۵۳

## یعنی چیست؟!

ب: روایت مختصر دیگری درباره هدایتگر بودن یمانی وجود دارد که برای اولین بار در کتاب الارشاد شیخ مفید و سپس در کتاب اعلام الوری، نوشته طبرسی و پس از آن با فاصله‌ای قابل توجه در کتاب اثبات الهداء شیخ حر عاملی در قرن ۱۱ هجری آمده و نکته جالب اینکه این روایت، حتی در بحار الانوار هم نیامده است. بدین صورت، این روایت نیز به دلیل عدم اعتماد محدثین، به عنوان روایت معروض عنه از آن یاد می‌شود.

طبق این بررسی، هدایتگر بودن یمانی بر اساس دو روایت معروض عنه که دارای مشکلات عدیده است، قابل اثبات نیست و چنین روایاتی توان اعتقاد سازی برای شیعیان را ندارد. علاوه بر آن، خبر واحد نیز چنین جایگاهی ندارد و برای اخذ عقیده در امور مهم اعتقادی، نیازمند تواتر یا اخبار آحادی هستیم که به حد استفاده رسانیده و همراه با قرائئن صحت باشد. چنانچه شیخ طوسی(ره) می‌گوید: «**فلا يمكن اسناد ذلك الى قوم علماء متميزين، و ان قال ذلك بعض غفلة اصحاب الحديث، فذلك لا يلتفت اليه علي ما بيته؛ اسناد دادن عمل به خبر واحد در عقائد، به گروهی از علماء معکن نیست و اگر بعضی از غافلان از محدثین چنین بگویند به کلام ایشان نباید توجه کرد».<sup>۱</sup>**

---

<sup>۱</sup> العدة في الأصول، ج ۱، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

## محل خروج یمانی

طبق روایات، محل زندگی و خروج یمانی مورد نظر، از کشور یمن است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

روایت اول: «وَ إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ حُرُوجِهِ حُرُوجُ السُّفِيَّانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ حُرُوجُ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ وَ صَيْحَةً مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ». <sup>۱</sup>

روایت دوم: «وَ حُرُوجُ السُّفِيَّانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ وَ خَسْفُ الْبَلْيَدَاءِ وَ قَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ(ص) بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةِ». <sup>۲</sup>

روایت سوم: «وَ خَرُوجُ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ مَعَ الْرَايَاتِ الْبَيْضِ». <sup>۳</sup>  
و در چند روایت دیگر نیز درباره خروج فردی از یمن در هنگامه ظهر، صحبت به میان آمده و فرموده‌اند:

روایت اول: عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ(ع) السُّفِيَّانِيُّ فَقَالَ أَتَى يَخْرُجُ ذَلِكَ وَ لَمَّا يَخْرُجُ كَاسِرُ عَيْنِهِ بِصَنْعَاءِ». <sup>۴</sup>

روایت دوم: عَنْ عَبَادِ بْنِ مُحَمَّدِ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ(ع) بِالْمَدِينَةِ ... قُلْتُ مَتَى يَكُونُ حُرُوجُهُ جَعْلِيُّ اللَّهُ فَذَاكَ قَالَ إِذَا شَاءَ مَنْ لَهُ

<sup>۱</sup> کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۸.

<sup>۲</sup> همان، ص ۳۳۱.

<sup>۳</sup> کفاية المهدی فی معرفة المهدی(ع)، ص ۶۴۷.

<sup>۴</sup> الغيبة للنعماني، ص ۲۷۷.

# یا نی کیت؟!

الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ قُلْتُ فَلَهُ عَلَامَةٌ قَبْلِ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ عَلَامَاتُ شَتَّى قُلْتُ مِثْلُ مَا ذَارَ  
قَالَ خُرُوجُ رَأْيَةٍ مِنَ الْمَشْرِقِ وَ رَأْيَةٍ مِنَ الْمَغْرِبِ وَ فِتْنَةٌ تُطْلِعُ أَهْلَ الزَّوْرَاءِ وَ  
خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ بِالْيَمَنِ وَ انتِهَابُ سِتَّارَةِ الْبَيْتِ». <sup>۱</sup>

همچنین در روایات اهل سنت نیز به این مساله تصريح شده و یمانی را از  
کشور یمن دانسته است. برخی از روایات عبارتند از:

نقل اول: «یکون بعد المهدی خلیفة من اهل الیمن من قحطان اخو المهدی  
فی دینه یعمل بعمله، و هو الذی یفتح مدینة الروم و یصیب غنائمها». <sup>۲</sup>

نقل دوم: «و یخرج القحطاني من بلاد یمن». <sup>۳</sup>

نقل سوم: «یکون بعد المهدی خلیفة یمنی قحطاني یعمل بعمله». <sup>۴</sup>

نقل چهارم: «تُمَّ يَخْرُجُ مِنْ صَنْعَاءِ الْيَمَنِ أَبْيَضُ كَالْقُطْنِ ا سُمُّهُ حَسِينٌ أَوْ  
حَسَنٌ فَيُذَهِّبُ بِخُرُوجِهِ غَمُّ الْفِتْنَ فَهُنَاكَ يَظْهَرُ مُبَارَكًا زَكِيًّا وَ هادِيًّا  
مَهْدِيًّا». <sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۱۷۰.

<sup>۲</sup> الفتن ابن حماد، ص ۲۸۳.

<sup>۳</sup> عقد الدرر في أخبار المنتظر(عليه السلام)، ص ۱۱۵.

<sup>۴</sup> القول المختصر في علامات المهدی المنتظر(عليه السلام)، ص ۹۰.

<sup>۵</sup> أحاديث المهدی (عليه السلام) من مسند أحمد بن حنبل، البيان، ج ۱، ص ۱۶۱.

## جنگ یمانی

یکی از باورهای موجود در اذهان عموم، جنگ یمانی با سفیانی است که در نهایت امر، سفیانی را شکست داده و او را خواهد کشت. این در حالی است که هیچ کدام از روایات شیعه، به این مساله اشاره نکرده و بلکه امام مهدی(ع) را کشندۀ سفیانی دانسته‌اند. به عنوان نمونه به برخی از روایات اشاره می‌شود:

روایت اول: امام صادق(ع) فرمود: «إنا و آل أبي سفيان أهل بيتي تعادينا في الله: قلنا صدق الله و قالوا كذب الله، قاتل أبوسفیان رسول الله(ص) و قاتل معاویه علی بن ابیطالب(ع) و قاتل یزید بن معاویه الحسین بن علی(ع) و السفیانی یقاتل القائم؛ ما و خاندان ابوسفیان، دو خانواده هستیم که به جهت خداوند با یکدیگر دشمنی کردیم. ما خداوند را تصدیق کردیم و آنها تکذیبیش کردند. ابو سفیان با پیامبر(ص) جنگید و معاویه با علی بن ابیطالب(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) و سفیانی نیز با قائم(ع) خواهد جنگید». <sup>۱</sup>

روایت دوم: امام باقر(ع) فرموده‌اند: «لايكون ما ترجون حتى يخطب السفیانی علی أعوادها فإذا كان ذلك انحدر عليكم قائم آل محمد من قبل

---

<sup>۱</sup> معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۶۷.

## یعنی چیست؟!

الحجاز؛ آنچه انتظارش را می‌کشید، رخ نخواهد داد تا این که سفیانی بر منبر خطبه بخواند. وقتی چنین شد قائم آل محمد(ص) از سمت حجاز با شتاب به سوی شما می‌آید».<sup>۱</sup>

روایت سوم: «ثُمَّ يَسِيرُ حَتَّىٰ يَأْتِيَ الْعَذْرَاءَ هُوَ وَ مَنْ مَعَهُ وَ قَدْ أَلْحِقَ بِهِ نَاسٌ كَثِيرٌ وَ الْسُّفِيَّانِيُّ يَوْمَئِذٍ بِوَادِي الرَّمْلَةِ حَتَّىٰ إِذَا التَّقَوْا وَ هُمْ يَوْمَ الْإِبْدَالِ ...؛ سپس حضرت مهدی(ع) با همراهانش به مرج عذراء در دم شق می‌آیند در حالی که بسیاری از مردم به آن حضرت پیوسته‌اند و سفیانی (بعد از عقب ذشینی از عراق) در منطقه رمله فلسطین مستقر می‌شود تا اینکه سرانجام بین دو لشکر، درگیری پیش می‌آید و آن روز ابدال و دگرگونی‌ها است».<sup>۲</sup>

روایت چهارم: امام باقر(ع) فرمود: «ثُمَّ يَقُولُ لَهُ الْقَائِمُ(ع) خُذْ جُذْرَكَ فَإِنَّنِي أَذِيْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا مُقاَاتِلُكَ فَيُصْبِحُ فَيُقَاتِلُهُمْ فَيَمْنَحُهُ اللَّهُ أَكْتَافَهُمْ وَ يَأْخُذُ السُّفِيَّانِيَّ أَسِيرًا فَيَنْطَلِقُ بِهِ وَ يَذْبَحُهُ بِيَدِه؛ امام(ع) به سفیانی می‌فرماید: مراقب باش که من آنچه را لازم بود، به تو رساندم، و من با تو می‌جنگم. هنگامی که صبح می‌شود، امام با آنان می‌جنگد و خدا بر آنها مسلط‌شان می‌کند و سفیانی اسیر می‌شود و او را می‌آورند و امام(ع) او را با دستان

<sup>۱</sup> اثبات الوصیة، ص ۲۶۷.

<sup>۲</sup> الاختصاص، ص ۲۵۶.

خودش می‌کشد». <sup>۱</sup>

روایت پنجم: امام باقر(ع) فرمود: «ثُمَّ خَاطَبَ بَنِي أُمَيَّةَ فَقَالَ: (وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا) يَعْنِي إِنْ عُدْتُمْ بِالسُّفِيَّانِيِّ عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) (وَجَعْلَنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا) أي حب سايد صرون فيها؛ سپس به بنی امية خطاب کرد و فرمود: "اگر باز گردید، باز می‌گردیم"، یعنی به وسیله سفیانی دوباره به جنگ بیایید، ما نیز با قائم خاندان محمد (ص) به جنگ می‌آییم. "دو زخم را زندان کافران قرار داده ایم"، یعنی زندانی که در آن بازداشت می‌شوند». <sup>۲</sup>

روایت ششم: عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خَنَّيْس «قَالَ: ذَهَبْتُ بِكِتَابِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نَعِيمٍ وَ سَدِيرٍ وَ كُتُبٍ غَيْرٍ وَاحِدٍ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) حِينَ ظَهَرَتِ الْمُسَوِّدَةُ قَبْلَ أَنْ يَظْهَرَ وُلْدُ الْعَبَاسِ بِأَنَّا قَدْ قَدَرْنَا أَنْ يَكُوْلَ هَذَا الْأَمْرُ إِلَيْكَ فَمَا تَرَى قَالَ: فَضَرَبَ بِالْكُتُبِ الْأَرْضَ ثُمَّ قَالَ: أَفَ أَفِ مَا أَنَا لِهُؤُلَاءِ بِإِمَامٍ أَمَا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ إِنَّمَا يَقْتُلُ الْسُّفِيَّانِيِّ؛ به نقل از معلی بن خنیس: «نامه‌های عبدالسلام بن نعیم و سدیر و چند تن دیگر را به امام صادق(ع) رساندم و آن، هنگامی بود که سیاه‌جامگان ظهور کرده و بنی عباس هنوز پایدار نشده بودند و م‌ضمون نامه، این بود که: ما تقدیر را چنین می‌بینیم که این امر به تو می‌رسد. چه نظر می‌دهی؟ امام(ع)، نامه‌ها را به زمین کوبید و سپس فرمود: واه، واه! من، امام قائم اینها نیستم. آیا نمی‌دانند فقط

<sup>۱</sup> بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۴.

<sup>۲</sup> بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۶.

# یا<sup>نی</sup> کیت؟!

اوست که سفیانی را می‌کشد؟».<sup>۱</sup>

روایت هفتم: امام باقر(ع) فرمود: «يَهْزِمُ الْمَهْدُيُّ(ع) السُّفِيَّانِيَّ تَحْتَ شَجَرَةِ أَغْصَانُهَا مُذْلَأٌ لِّإِمَامِ بَاقِرٍ(ع) طَوِيلَةً؛ امام باقر(ع) فرمود: مهدی (ع) سفیانی رازیز درختی که در حیره است و شاخه‌هایش دراز و تا به زمین رسیده، شکست می‌دهد».<sup>۲</sup>

همانطور که گفته شد، هیچکدام از روایات شیعه، به جنگ یمانی با سفیانی اشاره نکرده است، درحالیکه برخی سعی بر این دارند تا با استفاده از روایات مت شابه، این م ساله را واژگونه جلوه دهند. به عنوان مثال با استناد به روایت: «الْيَمَانِيُّ وَ السُّفِيَّانِيُّ كَفَرَسَيِّ رِهَانِ»<sup>۳</sup> به این نتیجه رسیده‌اند که یمانی با سفیانی خواهد جنگید، غافل از اینکه تمثیل فرسی رهان (دو اسب مسابقه‌ای که در حال پیشی گرفتن از یکدیگر هستند) برای موارد جنگ استفاده نمی‌شود، بلکه برای یاری یکدیگر یا دو شادوش بودن کاربرد دارد. فرهنگ ابجدی آورده است: «هُمَا كَفَرَسَيِّ رِهَانِ»: این تعبیر ضرب المثلی است برای دو چیز مساوی و نزدیک بیکدیگر». <sup>۴</sup> و در کتاب مجمع البحرين آورده است: «وَ كَفَرَسَيِّ رِهَانِ، قَالَ

<sup>۱</sup> الكافي، ج ۸، ص ۳۳۱.

<sup>۲</sup> بحار الأنوار، ج ۵۲ ص ۳۸۶.

<sup>۳</sup> الغيبة للنعماني، ص ۳۰۵.

<sup>۴</sup> فرهنگ ابجدی، ص ۴۴۴.

الفارسي: أراد استواء الأمرين كاستواء فرسي السباق».١

بنابراین، این تمثیل حاکی از همطرازی است و گویای جنگ نمی‌تواند باشد. چنانچه درباره یمانی و خراسانی آمده است: «إِذْ أَقْبَلَتْ حَيْلُ الْيَمَانِيِّ وَ الْخُرَاسَانِيِّ يَسْتَبِقَانِ كَأَنَّهُمَا فِرْسَيِ رِهَانٍ».٢ این روایت اشاره به همدوشی و همیاری یمانی و خراسانی داشته و گویای وقوع جنگ میان دو لشگر مذکور نیست.

برای تایید این برداشت می‌توان به سایر روایات نیز اشاره کرد. به عنوان نمونه در روایتی از امام باقر(ع) آمده است: «إِنَّ الْعَالَمَ وَ الْمُتَعَلَّمَ فِي الْأَجْرِ سَوَاءٌ يَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَفَرَسَيِ رِهَانٍ يَزْدَحِمَانِ؛ هُمَا عَالَمٌ وَ دَانِشْجُوُ دَرِ پَادِاشِ يَكْسَانٍ هَسْتَنْدُ وَ رَوْزِ قِيَامَتِ مَانِندُ دَوْ اَسْبَ مَسَابِقَهَايِ كَنَارِ يَكْدِيْگُرَنْدُ وَ بَهْ هَمِ خُورَنَدِ مَى آيِنَدِ».٣

نکته دیگر اینکه: سفیانی هنگام خروج، وارد کور خمس می‌شود و تمامی آن مناطق را فتح می‌کند، چنانچه یمانی بنای جنگ و مقابله با سفیانی را داشته باشد، نقش متقابل یمانی در برابر سفیانی م شخص نیست و معلوم نشده که در کجا وارد جنگ با سفیانی خواهد شد!

جهت روشن شدن مساله به مراحل خروج سفیانی اشاره می‌شود:  
مرحله اول: روز خروج سفیانی از وادی یابس در سوریه در ماه رب؛

١ مجتمع البحرين، ج ٦، ص ٢٥٨.

٢ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٧٤.

٣ بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهما، ج ١، ص ٣.

## یا<sup>ن</sup> کیست؟!

مرحله دوم: روز خروج سفیانی برای تسلط بر مناطق پنجگانه شام؛

مرحله سوم: روز خروج سفیانی برای تسلط و جنگ در منطقه قرقیسیا؛

مرحله چهارم: روز خروج سفیانی برای حمله به عراق؛

مرحله پنجم: روز خروج سفیانی برای حمله به بغداد و کوفه.

با این توصیف، کدام یک از مراحل خروج سفیانی، با خروج یمانی

همزمان است؟ به عبارت دیگر، کدام یک از این خروج‌های سفیانی، با

خروج یمانی همزمان خواهد شد؟

## پرچم‌های هدایت کننده

قطعاً پرچم هدایت در دست اهل بیت(ع) است و کسی جز آنان هدایتگر نیستند، مگر آنکه کسی یا کسانی گمارده آنان بوده و مشروعیت جایگاه او را با اخبار متواتر به ما بیان فرموده باشند.

البته باید به این موضوع توجه داشت که انسان‌های هدایت کننده، در هر عصری وجود دارند و روایات فراوانی به وجود آنان تصریح کرده است که در زمان غیبت امام مهدی(ع) مردم را به راه امام(ع) راهنمایی کرده و از شر گمراهی و گمراه کنندگان نجات می‌دهند. امام هادی(ع) فرمود:

«لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمٍ كُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ، وَالْدَّالِلَيْنَ عَلَيْهِ،  
وَالذَّابِيْنَ عَنِ دِيْنِهِ بِحُجَّةِ اللَّهِ، وَالْمُنْقِذِيْنَ لِلضُّعْفَاءِ مِنِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَابِ  
إِبْلِيسَ وَمَرَدَتِهِ، لَمَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا إِرْتَدَّ عَنِ دِيْنِ اللَّهِ. وَلِكُنْهُمْ يَمْسِكُونَ أَزْمَةً  
قُلُوبِ ضُعَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ صاحِبُ السَّفِيْنَةِ سُكَانَهَا، أُولَئِكَ هُمُ  
الْأَفْظَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ اگر پس از غیبت قائم آل محمد(ص) برخی  
از علماء وجود نداشتند که به سوی قائم(ع) دعوت کنند و مردم را به حضورش سوق دهند و از دینش با استدلالهای الهی حمایت کنند و بندگان ضعیف خدا را از افتادن در دام ابلیس و یارانش، رهایی بخ شند، پس به تحقیق هیچ کس نمی‌ماند جز این که از دین خدا بر می‌گشت. ولی آن عالمان، زمام قلوب ضعافی شیعه را می‌گیرند همانگونه که ناخدای

## یعنی کیست؟!

کشتی، سکان و فرمان کشتی را می‌گیرد. پس آنها نزد خدای عز و جل از  
<sup>۱</sup> همه برترند».

بدیهی است که همین علماء، برای نظام بخشی به امور و دفاع همه جانبه از شیعیان، حق برپایی حکومت دارند اما نکته اینجاست که اگر همین افراد بخواهند، مردم را به بیعت با امام مهدی(ع) فراخوانند و پیش از ظهور امام(ع) پرچمی به نام قائم(ع) برافرازند، در این صورت، بیعت کنند و بیعت دهنده هر دو در طاغوت هستند.

چنانچه در روایات آمده است: «**كُلُّ رَأْيَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ رَأْيَةِ الْقَائِمِ**(ع) صَاحِبُهَا طَاغُوتٌ؛ هر پرچمی که قبل از پرچم قائم(ع) برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است».<sup>۲</sup>

علاوه بر ممانعت از پیوستن به چنین پرچم‌هایی که گمراه کنند هستند، شیعیان را به انتظار و به پیوستن به پرچم قائم(ع) سفارش فرموده‌اند. به عنوان نمونه به روایتی اشاره می‌شود که فرمود:

«وَإِيَّاكَ وَشُذُّاذًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ(ص) فَإِنَّ لَكِ مُحَمَّدًا وَعَلَيْهِ رَأْيَةٌ وَلِغَيْرِهِمْ رَأْيَاتٍ فَالْزَمِ الْأَرْضَ وَلَا تَتَبَعَ مِنْهُمْ رَجُلًا أَبِدًا حَتَّى تَرَى رَجُلًا مِنْ فُلْدَانِ الْحُسَيْنِ مَعَهُ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ وَرَأْيَتُهُ وَسَلَاحُهُ فَإِنَّ عَهْدَ نَبِيِّ اللَّهِ صَارَ عِنْدَ

<sup>۱</sup> الاحتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۰.

<sup>۲</sup> الغيبة للنعمانی، ص ۱۱۴.

عَلَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ صَارَ عِنْدَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيْ وَيَفْعُلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ فَالْزُمْ  
هَوْلَاءَ أَبْدًا وَإِيَّاكَ وَمَنْ ذَكَرْتُ لَكَ...؛ امام باقر(ع) به جابر عجی فرمود:  
از قیام کنند گان خاندان پیامبر بر حذر باش! چرا که برای آل محمد و  
علی فقط یک پرچم حق وجود دارد و برای دیگران پرچم هایی است. پس  
از جایت تکان نخور و از هیچ کدام از قیام کنندگان تبعیت نکن تا اینکه  
مردی از فرزندان امام حسین(ع) را ببینی که همراهش عهد<sup>۱</sup> و پرچم و  
سلاح نبی خدا(ص) است. پس همانا عهد نبی خدا(ص) به دست امام  
سجاد(ع) رسید و سپس به دست امام باقر(ع) رسید و این است سخن  
خدا که فرمود: وَيَفْعُلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ پس تا او را ندیده ای از جایت تکان  
نخور و دنبال هیچ پرچمی نرو و هر آنچه را گفتم مراقبت کن<sup>۲</sup>.  
همانطور که گفته شد، پیش از ظهور قائم(ع) هیچ پرچم هدایت کننده و

<sup>۱</sup> عهد النبی(ص)؛ در قالب کتابی مختوم به پیامبر اکرم(ص) نازل شد و ماموریت اوصیاء آن  
حضرت ابلاغ شده و در روایات به این مساله تصریح شده است. «ذَقَعَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) إِلَى  
عَلَيْهِ الْحَسَنِ(ع) صَحِيفَةً مَخْشُومَةً بِأَثْنَيْ عَشَرَ حَاتَمًا وَقَالَ فَصُنْ أَلْأَوْلَ وَأَغْمَلْ بِهِ وَأَذْفَعَهُ إِلَى  
الْحَسَنِ(ع) يُنْصُنُ الثَّانِي وَيَعْمَلُ بِهِ وَيَدْفَعُهَا إِلَى الْحُسَيْنِ(ع) يُنْصُنُ الثَّالِثَ وَيَعْمَلُ بِمَا فِيهِ ثُمَّ  
إِلَى وَاحِدٍ وَاحِدٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ(ع)؛ یونس بن یعقوب از امام صادق(ع) نقل می کند که  
فرمود: «رَسُولُ خَدَا(ص) صَحِيفَه سَرِبَسْتَه ای را با دوازده مُهر به امیر المؤمنین(ع) سپرد و  
فرمود: اولین مُهر را بشکن و آن صحیفه را باز کن و بدانچه در آن (نو شته شده) عمل کن و  
سپس آن را به حسین(ع) تحويل بده تا مُهر دوم را بشکن و بدانچه در آن است عمل کنده، و  
سپس آن را به حسین(ع) تحويل دهد تا او نیز مهر سوم را شکسته و به آنچه در آن است عمل  
کنده و سپس به ترتیب به تمامی فرزندان حسین(ع) تحويل داده شود». الغيبة للنعمانی،  
ص ۵۴.

<sup>۲</sup> تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴.

## یعنی کیست؟!

منت سب به امام مهدی(ع) بلند نخواهد شد و تنها پرچم هدایت کننده در هنگامه ظهر، پرچم امام مهدی(ع) است که همان پرچم رسول خدا(ص) می باشد. چنانچه امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «إِنَّ هَذِهِ رَأْيَةً لَا يَدْشُرُهَا بَعْدِي إِلَّا الْقَائِمُ؛ اِينَ پِرْچَمَ رَاكِسِي جَزْ قَائِمٍ(ع) بَعْدَ اِزْ مَنْ بَرَ نَخْوَاهَدَ افْرَاشَتِ». <sup>۱</sup> امام مهدی(ع) بر اساس روایات معتبر شیعه، پرچم قیام را در مکه بر می افرازد و از آنجا حرکت خود را شروع می کند. چنانچه فرموده اند:

«ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَكُونَ فِي مِثْلِ الْحُلْقَةِ قُلْتُ وَ مَا الْحُلْقَةُ قَالَ عَشَرَةُ آلَافِ رَجُلٍ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ يَهُرُّ الرَّأْيَةُ الْجَلِيلَةُ وَ يَدْسُرُهَا وَ هِيَ رَأْيَةُ رُسُولِ اللَّهِ (ص) الْسَّحَابَةُ...؛ سپس از مکه خروج می کند تا اینکه در میان حلقه قرار می گیرد. راوی سئوال کرد که حلقه چیست؟ فرمود: ده هزار مرد که جبرائیل(ع) از سمت راست او و میکائیل(ع) از سمت چپ او می آیند. سپس پرچم آشکار خود را بر افراشته می کند و آن را منت شر می کند و آن پرچم رسول الله(ص) است که نامش سحابه است». <sup>۲</sup>

امام مهدی(ع) پس از آغاز حرکت خود از مکه، به نجف آمد و باری دیگر؛ پرچم رسول خدا(ص) را می افرازد. امام صادق(ع) فرمود:

<sup>۱</sup> الغيبة للنعماني، ص ۳۰۷.

<sup>۲</sup> بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

«يَقْدِمُ الْقَائِمُ»(ع) حَتَّىٰ يَأْتِي النَّجَفَ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مِنَ الْكُوفَةِ جَيْشُ السُّفِيَّانِيِّ  
وَأَصْحَابُهُ وَالنَّاسُ مَعَهُ وَذَلِكَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ فَيَدْعُونَهُمْ وَيُنَادِيهُمْ حَقَّهُ...»؛  
قائم(ع) می آید تا به نجف اشرف می رسد. از کوفه سپاهیان و یاران  
سفیانی به سوی او میروند و مردم نیز با او همراه هستند و این واقعه در  
روز چهارشنبه خواهد بود. حضرت آنها را دعوت کرده و درباره حق  
خود با آنها گفتگو کند». <sup>۱</sup>

پس از آغاز قیام، عده‌ای از یاران حضرت(ع) به اقالیم مختلف زمین اعزام  
می شوند تا مردم را هدایت کرده و به سوی امام(ع) فراخوانند. چنانچه  
امام صادق(ع) فرمود:

«إِنَّا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ  
فِي كَفْكَ إِنَّا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفَكَ  
وَاغْمُلْ بِمَا فِيهَا زَمَانِيَّ كَهْ قَائِمُ»(ع) قیام کند، به تمامی اقلیم‌ها و  
سرزمین‌ها نمایندگانی فرستاده و به آنان می‌فرماید: شرح وظایف تو در  
کف دستت است، پس زمانی که با مسأله‌ای مواجه شدی و پا سخ آن را  
نفهمیدی و حکم آن را ندادستی، به کف دستت نگاه کن و به آنچه در آن  
است عمل کن». <sup>۲</sup>

آنان دارای پرچم‌ها فاتحانه‌ای هستند که بدون پیروزی به سوی امام(ع)  
بازگشت نخواهند داشت. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است: «فِي قَوْلِ

<sup>۱</sup> بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷.

<sup>۲</sup> همان، ص ۳۱۹.

## یعنی گشت؟!

اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ أَمْنٌ يُحِبُّ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ قَالَ هَذَا [هَذِهِ] نَزَّلَتْ فِي  
الْفَائِمِ (ع) إِذَا خَرَجَ تَعَمَّمَ وَ صَلَّى عِنْدَ الْمَقَامِ وَ تَضَرَّعَ إِلَى رَبِّهِ فَلَا تُرْدُهُ  
رَأْيَهُ أَبَدًا؛ آيَهُ أَمْنٌ يُحِبُّ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ دُرْبَارَهُ قَائِمِ (ع) نَازِلٌ شَدِّهُ اسْتَ،  
آن زمانی عمامه بر سر گذاشته و در میان مقام ابراهیم(ع) نماز خوانده و  
بر خداوند ت ضرع می‌کند، تاینکه هیچ پرچمی به سوی با شکست باز  
نخواهد گشت». <sup>۱</sup>

همچنین برخی به دعوت امام(ع) لبیک گفته و مردم را به سوی ایشان  
هدایت می‌کنند که روایات متعددی به این مساله تصریح می‌کند:  
روایت اول: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ نَجْرَانَ يَسْتَجِيبُ لِلإِمَامِ فَيَكُونُ أَوَّلَ  
النَّصَارَى إِجَابَةً فَيَهُدِمُ بَيْعَتَهُ وَ يَدْعُ صَلِيبَهُ. فَيَخْرُجُ بِالْمَوَالِيِّ وَ صُنْعَاءِ  
النَّاسِ فَيَسِيرُونَ إِلَى التُّخْلِيلَةِ بِأَعْلَامِ هُدَى فَيَكُونُ مَجْمُعُ النَّاسِ جَمِيعاً فِي  
الْأَرْضِ ...؛ مردی از اهل نجران که دعوت امام(ع) را اجابت می‌کند. وی  
اولین مسیحی است که کلیساپاش را خراب کرده و صلیب را می‌شکند و با  
همراهی ضعفاء و بردگان خروج کرده با برافراشتن پرچم‌های هدایت  
کننده به سمت نخیله می‌رود و آنجا محل اجتماع همه مردم در زمین  
می‌شود». <sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۹.

<sup>۲</sup> سرور أهل الإيمان في علامات ظهور صاحب الزمان (عليه السلام)، ص ۵۳.

روايت دوم: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّهُ سَيِّدُ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي تَطْرِيدًا وَتَشْرِيدًا فِي الْبِلَادِ، حَتَّى تَرْتَفَعَ رَأْيَاتُ سُودٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيَسَّالُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَ، وَيُقَاتِلُونَ فَيُذْصَرُونَ، فَيُعْطَوْنَ الَّذِي سَأَلُوا، فَمَنْ أَذْرَكُهُمْ مِنْكُمْ - أَوْ مِنْ أَبْنَائِكُمْ - فَأَيَّا تِهْمُ وَلَوْ حَبُوا عَلَى الثَّلَاجِ، فَإِنَّهَا زَانِيَاتُ هُدَى، يَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجْلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ خداوند آخرت را در برابر دنيا برای ما اهل بيت انتخاب کرده است و به همانا به زودی اهل بيت من پس از من تنها و آواره خواهند شد تا اينکه از سوی مشرق، پرچم‌های سیاه به اهتزاز در آيد. آنان حق را مطالبه کنند اما به آها داده نشود، پس از آن می‌جنگند تا پیروز شوند. در این هنگام آنچه را که می‌خواهند به آنان داده شود. اگر کسی از شما یا فرزندانتان آنان را درک کرد، پس به سوی آنها بروید، ولو به صورت سینه خیز بر روی برف، چرا که آنها پرچم‌های هدایت هستند که به مردی از اهل بيت من تحويل داده می‌شود که او دنيا را پر از عدل و داد می‌کند، همانطور که پر از ظلم و جور شده است».<sup>۱</sup>

روايت سوم: «فَتَخْرُجُ رَأْيَةُ هُدَى مِنَ الْكُوفَةِ فَتَلْحُقُ ذَلِكُ الْجَيْشُ فَيَقْتُلُونَهُمْ لَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ وَيَسْتَقِدُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ الْأَسْبَيِ وَالْغَنَائمِ در آن هنگام یک پرچم هدایت از کوفه خارج می‌شود و آن سپاه را دنبال می‌کنند، و همه آنها را نابود می‌سازند و حتی گزارشگری را از آنها باقی

<sup>۱</sup> دلائل الإمامة، ص ۴۶.

# یعنی کیست؟!

نمی‌گذارند و آنچه در دست آنها است غنیمت می‌گیرند و اسیران را نجات می‌دهند». <sup>۱</sup>

در این بین، با برخی از روایات موافق می‌شویم که درباره انصار امام مهدی(ع) صحبت می‌کنند که مردم را به حق دعوت می‌کنند:

امام صادق(ع) فرمود: «تُرَبَّةُ قُمْ مُقدَّسَةٌ وَ أَهْلُهَا مِنَا وَ تَحْنُّ مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَارٌ بِسُوْءٍ إِلَّا عُجْلٌ عُقوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلْطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةَ سُوْءٍ أَمَا إِنَّهُمْ أَذْ صَارُ قَائِمَنَا وَ دُعَاءَ حَقَّنَا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ اغْصِمْهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهُمْ مِنْ كُلِّ هَلْكَةٍ؛ تربت قم مقدس است و مردم قم از مایند و ما هم از آنانیم، هیچ ستمگری قد صد بد به اهل قم نمی‌کند مگر اینکه عذاب او جلو می‌افتد تا وقتی که مردم به برادران خود خیانت نکنند، ولی وقتی که خیانت نکند خداوند ستمگران را بر آنان مسلط می‌کند. آنان یاران قائم ما و دعوتگران به حق ما هستند، سپس امام سرش را بطرف آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا آنان را از هرفتنه ای مصون بدار و از نابودی نجات بخش». <sup>۲</sup>

همچنین در روایتی از امام کاظم(ع) آمده است: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْحَدِيدِ لَا تُرْلِهُمُ الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ وَ

<sup>۱</sup> بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶.

<sup>۲</sup> همان، ج ۵۷، ص ۲۱۸.

لَا يَكُلُونَ مِنَ الْحَرَبِ وَ لَا يَجْبُلُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْحَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛  
مردی از قم، مردم را بسوی حق دعوت می کند، گروهی با او همراه  
می شوند که همانند پاره های آهن هستند، که بادهای تند آنان را  
نمی لغزاند، و از جنگ خسته نمی شوند و نمی ترسند، و بر خدا توکل  
می کنند، و عاقبت خیر برای پرهیزکاران است».<sup>۱</sup>

طبق دو روایت که بحث آن گذشت، پرچم یمانی نیز دارای هدایت است.  
طبق فرازهای نخستین روایت مذ سوب به امام باقر(ع)، این پرچم پس از  
ندای آسمانی و پس از ظهور امام مهدی(ع) و همزمان با خروج سفیانی  
بر علیه امام مهدی(ع)، افرا شته می شود و مردم را به سوی حق دعوت  
می کند. در این روایت آمده است:

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ أَبْنُ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ  
يَعْقُوبَ أَبْوَ الْحَسَنِ الْجُعْفِيِّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَهْرَانَ قَالَ  
حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلَيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ فُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِيهِ  
بَصِيرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَيِّ (ع) أَتَهُ قَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قَبْلِ  
الْمَشْرِقِ شَبَّهَ الْهُرْذِيُّ الْعَظِيمَ تَطْلُعُ ثَلَاثَةً أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلَ  
مُحَمَّدٍ (ع) إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ثُمَّ قَالَ الصَّيْحَةُ لَا  
تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ وَ الصَّيْحَةُ فِيهِ هِيَ  
صَيْحَةُ جَبْرِيلَ (ع) إِلَى هَذَا الْخَلْقِ ثُمَّ قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ

---

<sup>۱</sup> بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

## يَا نَيْلَكِتْ؟!

الْقَائِمُ (ع) فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيقَظَ وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلِهِ فَزِعًا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْأَوَّلَ هُوَ صَوْتُ جَبْرِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ عَثْمَ قَالَ (ع) يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُوعَةِ لَيْلَةِ ثَلَاثَتِ وَعِشْرِينَ فَلَا تُشْكُوا فِي ذَلِكَ وَ اسْمَاعُوا وَ أَطِيعُوا وَ فِي آخِرِ النَّهَارِ صَوْتُ الْمُلْعُونِ إِبْلِيسِ يُنَادِي إِلَّا إِنَّ فُلَانًا قُتِلَ مَظْلُومًا لِيُشَكِّلَ النَّاسَ وَ يَفْتَهِمُ فَكُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ شَاكٌ مُتَحَبِّرٌ قَدْ هَوَى فِي النَّارِ فَإِذَا سَمِعْتُمُ الصَّوْتَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشْكُوا فِيهِ أَنَّهُ صَوْتُ جَبْرِيلَ وَ عَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ أَبَاهَا وَ أَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ وَ قَالَ لَا بُدُّ مِنْ هَذِينَ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ (ع) صَوْتٌ مِنَ السَّمَاءِ وَ هُوَ صَوْتُ جَبْرِيلَ بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ الصَّوْتُ الثَّالِثُ مِنَ الْأَرْضِ وَ هُوَ صَوْتُ إِبْلِيسِ اللَّعِينِ يُنَادِي بِا سُمْ فُلَانِ أَنَّهُ قُتِلَ مَظْلُومًا يُرِيدُ بِذَلِكَ الْفِتْنَةَ فَاتَّبَعُوا الصَّوْتَ الْأَوَّلَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْآخِرَ أَنْ تُفْتَنُوا بِهِ وَ قَالَ (ع) لَا يَقُولُ الْقَائِمُ عِلَّا عَلَى حَوْفِ سَدِيدٍ [شَدِيدٍ] مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ وَ فِتْنَةً وَ بَلَاءً يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيْفٌ قَاطِعٌ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٌ شَدِيدٌ فِي النَّاسِ وَ تَشَتَّتٌ فِي دِينِهِمْ وَ تَغْيِيرٌ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَّنَ الْمُتَمَّنِي الْمَوْتَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً مِنْ عِظَمِ مَا يَرَى مِنْ كُلِّ النَّاسِ وَ أَكْلِ بَعْضَهُمْ بَعْضًا فَخُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْيَأسِ وَ الْقُنُوطِ مِنْ أَنْ يَرْوَا فَرَجًا فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَذْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَيْلُ

كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ نَأَوَهُ وَخَالَفَ أَمْرَهُ وَكَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ وَقَالَ(ع) إِذَا  
خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَسُنْنَةً جَدِيدَةً وَقَضَاءً جَدِيدَ عَلَى  
الْعَرَبِ شَدِيدَ وَلَيْسَ شَانُهُ إِلَّا القُتْلَ لَا يَسْتَبَقِي أَحَدًا وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ  
لَائِمٌ ثُمَّ قَالَ عِنْ إِنَّا اخْتَلَفَ بَنُو قُلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَانْتَظِرُوا الْفَرَاجَ وَ  
لَيْسَ فَرَجُكُمْ إِلَّا فِي اخْتِلَافِ بَنِي قُلَانٍ فَإِنَّا اخْتَلَفُوا فَتَوَقَّعُوا الصَّيْحَةَ فِي  
شَهْرِ رَمَضَانَ وَخُروجِ الْقَائِمِ (ع) إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَنْ يَخْرُجَ الْقَائِمُ  
وَلَا تَرَوْنَ مَا تُحِبُّونَ حَتَّى يَخْتَلِفَ بَنُو قُلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَإِنَّا كَانَ ذَلِكَ طَمَعٌ  
النَّاسُ فِيهِمْ وَاخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَخَرَجَ السُّفِيَّانِيُّ وَقَالَ لَا بُدَّ لِبَنِي قُلَانٍ مِنْ  
أَنْ يَمْلِكُوا فَإِذَا مَلَكُوا ثُمَّ اخْتَلَفُوا تَفَرَّقَ مُلْكُهُمْ وَتَشَتَّتَ أَمْرُهُمْ حَتَّى يَخْرُجَ  
عَلَيْهِمُ الْخُرَاسَانِيُّ وَالسُّفِيَّانِيُّ هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَهَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ يَسْتَبِقَانِ  
إِلَى الْكُوفَةِ كَفَرَ سِيِّرِهَانِ هَذَا مِنْ هُنَا وَهَذَا مِنْ هُنَا حَتَّى يَكُونَ هَلَكُ بَنِي  
قُلَانٍ عَلَى أَيْدِيهِمَا أَمَا إِنَّهُمْ لَا يَبْقَوْنَ مِنْهُمْ أَحَدًا ثُمَّ قَالَ(ع) خُروجُ السُّفِيَّانِيُّ  
وَالْيَمَانِيُّ وَالْخُرَاسَانِيُّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ نِظامٌ  
كَنْظَامِ الْخَرَزِ يَتَبَعُ بَعْضُهُ بَعْضًا فَيَكُونُ الْبَأْسُ مِنْ كُلِّ وَجْهٍ وَيُلْيِنَ مِنْ  
نَأْوَاهُمْ وَلَيْسَ فِي الرَّأْيَاتِ رَأْيَةُ أَهْدَى مِنْ رَأْيَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَأْيَةُ هُدَى لِأَنَّهُ  
يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَمَ بَيْعَ الدِّسْلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَكُلُّ  
مُسْلِمٍ وَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَأَنْهَصْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَأْيَتَهُ رَأْيَةُ هُدَى وَلَا يَحْلُّ لِمُسْلِمٍ  
أَنْ يَلْتَقِي عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى  
طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ثُمَّ قَالَ لِي إِنَّ دَهَابَ مُلْكِ بَنِي قُلَانٍ كَثِيَرٌ صَعِ الْفَحَارِ وَكَرْجُلٍ  
كَانَتْ فِي يَدِهِ فَخَارَةٌ وَهُوَ يَمْنِشِي إِذْ سَقَطَتْ مِنْ يَدِهِ وَهُوَ سَاهٍ عَنْهَا

## یعنی گشت؟!

فَإِنَّكَ سَرَتْ فَقَالَ حِينَ سَقَطَتْ هَاهُ شِبَهُ الْفَزَعِ فَذَهَابُ مُلْكِهِمْ هَكَذَا أَغْفَلَ مَا كَانُوا عَنْ ذَهَابِهِ وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذِكْرُهُ قَدَرٌ فِيمَا قَدَرَ وَ قَضَى وَ حَتَّمَ بِأَنَّهُ كَائِنٌ لَا بُدَّ مِنْهُ أَنَّهُ يَأْخُذُ بَنِي أُمَّةِ الْسَّلَّيْفِ جَهْرَةً وَ أَنَّهُ يَأْخُذُ بَنِي فُلَانٍ بَعْتَةً وَ قَالَ (ع) لَا بُدَّ مِنْ رَحْيَ تَطْهِنُ فِإِذَا قَامَتْ عَلَى قُطْبِهَا وَ ثَبَتْ عَلَى سَاقِهَا بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهَا عَبْدًا عَنِيفًا حَامِلًا أَصْلُهُ يَكُونُ الدَّصْرُ مَعَهُ أَصْحَابُ الطَّوِيلَةِ شُعُورُهُمْ أَصْحَابُ السَّبَالِ سُودُ ثَيَابُهُمْ أَصْحَابُ رَأِيَاتٍ سُودٍ وَ يُلْبِلُ لِمَنْ نَأَوْهُمْ يَقْتُلُونَهُمْ هَرْجًا وَ اللَّهُ لَكَانَى أَنْتُرُ إِلَيْهِمْ وَ إِلَى أَفْعَالِهِمْ وَ مَا يُلْقَى الْفُجَارُ مِنْهُمْ وَ الْأَعْرَابُ الْجُفَافَةُ يُسَلِّطُهُمُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِلَا رَحْمَةٍ فَيَقْتُلُونَهُمْ هَرْجًا عَلَى مَدِينَتِهِمْ بِشَاطِئِ الْفَرَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ الْبَحْرِيَّةِ جَزَاءً بِمَا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ؛ خبر داد ما را احمد بن محمد بن سعيد ابن عقده او گفت: حدیث کرد مرا احمد بن یوسف بن یعقوب ابو الحسن جعفی از کتاب خودش او گفت: حدیث کرد ما را اسماعیل بن مهران او گفت: حدیث کرد ما را حسن بن علی بن ابی حمزه از پدرش و وهیب بن حفص و آن دو از ابی بصیر و او از ابی جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیهمما السلام که آن حضرت فرمود: آنگاه که آتشی از [جانب] خاور دیدید که همچون (هردی): رنگ زرد و سرخ - سهمناک است که سه روز یا هفت روز سر میکشد بانتظار فرج آل محمد باشید (در بعضی از نسخه‌ها است: (منتظر فرج بظهور قائم علیه السلام باشید) ان شاء الله عز و جل که خداوند عزیز است و حکیم.

سپس فرمود: صیحه بجز در ماه رمضان نخواهد شد [زیرا ماه رمضان] ماه خدا است [و صیحه در آن ماه است] و آن صیحه جبرئیل است که برین مردم میزند.

سپس فرمود: آواز دهنده‌ای از آسمان بنام حضرت قائم آواز میدهد و هر که در خاور و باختراست میشنود، خفته‌ای نماند مگر آنکه بیدار شود، و ایستاده‌ای نماند مگر آنکه بزانو در می‌آید، و نشسته‌ای نماند مگر آنکه از وحشت آن صدا بردو پای خود بایستد، پس خدا رحمت کند کسی را که از آن صدا عبرت بگیرد و پا سخ‌گوی آن شود که صدای نخستین صدای جبرئیل و روح الأمین است.

سپس فرمود آن صدا در ماه رمضان در شب جمعه شب بیست و سوم خواهد بود و تردیدی در این نداشته باشد و بگوش بسپارید و فرمان برد و در پایان روز صدای شیطان ملعون بلند می‌شود که فریاد میزند: هان که فلانی مظلوم کشته شد تا مردم را بتردید اندازد و گرفتارشان کند آن روز چه افرادی که در شک و حیرت خواهند افتاد و با آتش سرازیر خواهند شد، پس آنگاه که صدا را در ماه رمضان شنیدید تردیدی نداشته باشد که آن صدای جبرئیل است و ذشانه‌اش آنکه بنام قائم و نام پدرش آوازی دهد که دوشیزگان پس پرده می‌شنوند و پدر و برادرشان را تحریک و تشویق میکنند که خروج کنند.

و فرمود: این دو صدا پیش از خروج حضرت قائم بنناچار باید باشد یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است [بنام صاحب الامر و نام پدرش] و

## یعنی کیست؟!

صدای دوم از زمین است (در بعد ضمی از ذ سخه‌ها: و صدائی از زمین است) و آن صدای شیطان ملعون است که نام فلانی را میبرد و اینکه او مظلوم کشته شد و میخواهد تا فتنه‌ای بر پا کند پس شما باید از صدای نخستین پیروی بکنید و مبادا که از صدای آخرین بشک و ریب افتد.

و فرمود: حضرت قائم قیام نمیکند مگر هنگامی که مردم را ترسی سخت فرا گرفته باشد و زمین لرزه‌ها و گرفتاری و بلاء دامنگیر مردم شود و پیش از اینها بیماری طاعون فرارسده و شمشیری بزان در میان عرب باشد و اختلاف سختی بمیان مردم افتاد آنچنان که دیدشان پاشیده گردد و حالشان دگرگون شود تا آنجا که هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند از بس مردم آزار بینند و بجان یک دیگر می‌افتد.

خروج آن حضرت هنگامی است که مردم از اینکه فرجی به بینند مأیوس و نامید گردند ای خوشابحال آنکه آن روزگار را درک کند و از یاران آن حضرت باشد و وای و تمام وای بر کسی که با او ستیزد و با او و با دستورش مخالفت ورزد و از دشمنانش شود.

و فرمود: چون آن حضرت خروج کند قیام کند با مر نو و کتاب نو و روش نو و حکومت نو که بر عرب سخت آید و کاری بجز کشتن نباشدش کسی را مهلت ما ندن نمیدهد و در اجرای امر خدا از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نهراست.

سپس فرمود: هنگامی که فلان طائفه در میان خودشان با اختلاف افتادند

در چنین وقت بانتظار فرج باشید و فرج شما نیست مگر در اختلاف فلان طائفه همین که اختلاف نمودند بانتظار صیحه‌ای که در ماه رمضان می‌شود با شید و منتظر خروج قائم علیه‌السلام با شید که خداوند هر آنچه را که بخواهد انجام میدهد (۲) و قائم هرگز خارج نخواهد شد و آنچه را که دوست میدارید نخواهید دید تا آنگاه که فلان طائفه در میان خودشان اختلاف انداختند و چون چنین شود مردم در باره آنان بطبع افتند و اختلاف کلمه روی دهد و سفیانی خروج کند.

و فرمود: فلان طائفه بنناچار باید بحکومت بررسند و همین که بحکومت رسیدند و سپس اختلاف نمودند حکومتشان از یکپارچه‌گی بیفتند و کارشان پراکنده شود تا آنکه خراسانی و سفیانی بر آنان خروج کنند این یک از خاور و آن یک از باختر همچون دو اسب میدان مسابقه بسوی کوفه پی شتازی کنند این از این سو و آن از آن سو تا آنکه نابودی فلان طائفه بدست آن دو انجام پذیرد آنچنان که یکنفر از آنان را باقی نگذارند.

سپس آن حضرت فرمود: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یکماه و یک روز خواهد بود با نظامی که گوئی برشته کشیده شده است بدنبال هم شود و از هر سو هیبت فراگیر شود و ای بر کسی که با آنان ستیزد و در میان پرچمها راهنمونتر از پرچم یمانی نباشد تنها او پرچم هدایت خواهد بود زیرا ب صاحب شما دعوت خواهد کرد، پس هنگامی که یمانی خروج کرد خرید و فروش اسلحه بر مردم و بر هر مسلمانی حرام خواهد بود و چون یمانی خروج کرد باید بسوی او نهضت کنی که

## یافی کیست؟!

پرچمش پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی روانباشد که از آن پرچم روی بگرداند و هر کس که چنین کند او از اهل آتش است زیرا او بحق و براه راست دعوت خواهد کرد.

سپس مرا فرمود: از دست رفتن حکومت فلان طائفه همچون شکستن کاسه سفالین باشد و همچون کسی که کاسه سفالین بدستش باشد و در حال قدم زدن از آن غفلت نماید ناگهان کاسه از دستش افتاده و بشکند و چون از دستش افتاد بخود آید و آه حسرت بد شد، حکومت آنان نیز این چنین خواهد بود که بکلی در خواب غفلت فرو رفته باشند. و امیر المؤمنین علیه السلام بر فراز منبر کوفه فرمود: که خدای عز و جل ذکرہ در مقدّراتش مقدّر فرمود و حکم حتمی صادر کرد که چاره‌ای بجز از وقوعش نیست که بنی امیه را آشکارا با شمشیر بگیرد و فلان طائفه را ناگهان.

و آن حضرت فرمود: آسیائی باید بگردش در آید و همین که کاملا بگردش افتاد و پابرجا شد خداوند بنده‌ای سنگ دل و بی‌اصل و نسب را بر انگیزد که پیروزی بهمراه او باشد یارانش با موهای دراز و سبیلهای کلفت و جامه‌های سیاه در بر، و پرچم‌های سیاه بدست داشته باشد، وای بر کسی که با آنان ستیزد که بی‌ملاحظه آنان را بکشند. بخدا قسم گوئی آنان را می‌بینم و کارها شان و آنچه بدکاران و عربهای ستمگر از دست آنان می‌بینند در پیش چشم من است خداوند آنان را که مهری در دلشان

نیست بر ایشان مسلط میکند و در شهرهای خود شان که در کنار فرات است شهرهای ساحلی و بیابانی، ایشان را بی محابا میکشدند بجزای آنچه که کرده‌اند و پروردگار تو به بندگانش ستم رواندارد.<sup>۱</sup>

سخن پایانی اینکه؛ بر اساس روایات شیعه و سنی، وجود شخصیتی با عنوان یمانی که از کشور یمن خارج شده و در هنگامه ظهور نقش ایفا خواهد کرد اثبات می‌شود اما این دسته از روایات، اشاره‌ای به سفارت یمانی از جانب امام مهدی(ع) یا فرزندی ایشان برای امام(ع) یا جنگ او با سفیانی نداشته و در مجموع، جایگاه ویژه‌ای را از او به مخاطب معرفی نمی‌کند و دو روایت موجود در باره یمانی که او را هدایتگر دانسته و اطاعت از او را لازم می‌داند، به علت نداشتن تواتر و اعتبار حدیثی، قادر به اعتقاد سازی نشده و نهایتاً می‌تواند در کنار سایر روایات مربوط به یمانی قرار گرفته و اصل وجود چنین شخصیتی را اثبات کند.

والسلام على من اتبع الهدى

على محمدى هو شيار

مشهد مقدس

ششم ذى الحجه ۱۴۴۲

---

<sup>۱</sup> الغيبة للنعماني، ص ۲۵۳